

برگزاری ارشباط با کودکان

دوره‌ی غیرحضوری

برگزاری

ارشباط با

کودکان

کد دوره: ۹۱۴۰۰۵۲۰

میزان ساعت: ۲۴

مقطع و زمینه: ابتدایی

● برگزارکنندگان: مرکز برنامه‌ریزی و آموزش
نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش

● دفتر انتشارات کمک آموزشی
مجلات رشد سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی



پرونده‌ی ضمیمه‌ی
رشد آموزش ابتدایی
شماره‌های ۱ تا ۴
(مهر، آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۰)

سیماجعفریان

مفهوم ارتباط در دنیای امروز

در دنیای امروز، ارتباطات مؤثر یکی از ارکان کلیدی موفقیت به‌شمار می‌آید. زندگی انسان با برقراری رابطه و ارتباط آغاز می‌شود و پیوسته بر تعداد و چگونگی آن‌ها افزوده می‌شود. اگرچه رابطه و ارتباط دو مفهوم مترادف فرض می‌شود اما می‌توان برای این دو، مفاهیمی جداگانه در نظر گرفت. رابطه، به هرگونه تماس میان افراد یا گروه‌ها و اشیا اطلاق می‌شود، در صورتی که ارتباط رابطه‌ای هدف‌مند و به‌طور عمده آگاهانه است که بیشتر در حوزه‌ی افراد بشر مطرح است [شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵].

مفهوم ارتباط

وقتی از ارتباط سخن می‌گوییم، منظور تعاملی دوسویه است. بنابراین برای درک ارتباط و شناخت موانع ارتباط باید نگرش تعاملی داشت.

محسنیان‌راد در کتاب «ارتباط‌شناسی» که از ارزنده‌ترین منابع موجود در این زمینه به‌شمار می‌رود، بعد از بررسی تعریف‌های متعدد ارتباط، این تعریف را پیشنهاد می‌کند: «ارتباط عبارت است از فرآیند انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آن‌که دربرگیرنده‌ی پیام، مشابهت معنی یا معنی‌موردنظر فرستنده‌ی پیام ایجاد شود.»

در ارتباط، ما فقط پیام‌های کلامی را مبادله نمی‌کنیم. پیام‌های غیر کلامی مانند اشاره، حالت چهره، حرکات و از این قبیل نیز بدون آن‌که خودمان چندان متوجه باشیم، در ارتباط ما با دیگران نقش دارند. یکی از ویژگی‌های جالب بحث ارتباط در دنیای امروز، توجه خاص پژوهش‌گران ارتباط‌شناسی به موضوع ارتباطات غیر کلامی است. عده‌ای از محققان معتقدند که رفتار غیر کلامی، دلالت بر احساسات حقیقی ما دارد. شواهد روزمره هم نشان می‌دهد که دریافت پیام‌های غیر کلامی از اهمیت خاصی برخوردار است.

از تعریف ارتباط، چند نکته قابل استنباط است:
۱. ارتباط مفهومی ایستا نیست، بلکه پویاست.

ارتباط، موضوعی مهم در همه‌ی مباحث انسانی است و در تربیت نیز جایگاهی خاص دارد. برقراری ارتباط مطلوب و مؤثر با کودک، دغدغه‌ی اصلی هر پدر و مادر، معلم و مربی است. شاید بخشی از مهارت‌های ارتباطی افراد به عوامل ارثی و ذاتی مربوط باشد، اما آنچه مسلم به نظر می‌رسد، این است که بخش عمده‌ی مهارت‌های ارتباطی، آموختنی و اکتسابی است. بنابراین اگر والدین و مربیان سعی کنند این مهارت‌ها را بشناسند، تمرین کنند و به درستی به کار ببرند، درهای ارتباط به روی آنان باز خواهد شد.

به دنبال توافق به عمل آمده بین دفتر آموزش و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، دوره‌ی ۲۴ ساعته‌ی آموزش ضمن خدمت غیرحضوری با عنوان **برقراری ارتباط با کودک** و با کد ۹۱۴۰۰۵۲۰ برای پست‌های سازمانی آموزگار، مدیر آموزگار، رییس دبستان، معاون دبستان، مربی کودک، مربی امور تربیتی، آموزگار استثنایی، رییس و معاون مهدکودک در دوره‌ی پیش‌دبستان و دبستان، با استفاده از محتوای ارائه شده در ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی به‌اجرا درمی‌آید. مطالب در چهار شماره‌ی این ماهنامه (از مهر تا دی‌ماه ۱۳۹۰) به چاپ می‌رسد و سپس ارزش‌یابی از محتوای دوره به عمل می‌آید. مطالب این چهار شماره که مطابق سرفصل‌های آموزشی تهیه شده‌اند، از چند ویژگی برخوردار است:

۱. علاوه بر استادان دانشگاه، تلاش شده است کارشناسان و آموزگاران دوره‌ی ابتدایی هم در تدوین محتوای آموزشی نقش داشته باشند.

۲. براساس سرفصل‌های پیشنهادی، نقد آموزش و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای، مفاهیم کلی و نظری و نیز نکته‌های جزئی و کاربردی در محتوای آموزشی یافت می‌شود.

۳. به منظور تنوع در ارائه‌ی مطالب، علاوه بر مقاله، از قالب کمیک استریپ و در حد امکان از سایر روش‌ها استفاده خواهد شد.

یادآور می‌شود مطالب دیگری نیز سفارش داده شده بود که به دلیل تأخیر در ارسال و دریافت مقالات، در این ویژه‌نامه نیامده است، ولی در قسمت‌های دیگر مجله استفاده خواهند شد.

امیدواریم مطالب محتوای آموزشی این دوره‌ی قابل استفاده‌ی همه‌ی همکاران عزیز قرار گیرد.

دبیر ویژه‌نامه - ابراهیم اصلانی

۲. عوامل ارتباط (فرستنده و گیرنده) دارای کنش متقابل هستند و هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد و از دیگری تأثیر می‌پذیرد.

۳. هیچ ارتباطی بدون پیام نیست. به عبارت دیگر، هرگونه ارتباطی دارای پیامی است که میان طرفین رد و بدل می‌شود. به پیام، معنا نیز می‌گویند.

۴. ارتباط دارای ردیفی از اجزا نیست؛ یعنی صرفاً با کنار هم گذاشتن اجزای متفاوت، نمی‌توان انتظار داشت که ارتباط روی دهد. به عنوان مثال، برای شکل‌گیری ارتباط مؤثر در جریان آموزش، عناصری چون تدریس، گفت‌وگو، کتاب و سخن‌رانی باید حضور داشته باشند؛ اما نمی‌توانیم بگوییم که با دسترسی به این اجزا و استفاده از آن‌ها، دانش‌آموزان به آموزش دست خواهند یافت. برای آموزش، تمامی این اجزا لازم هستند اما مجموع آن‌ها نمی‌تواند آموزش مؤثر را تضمین کند و فرآیند کار تعیین‌کننده است.

پیش‌نیازهای ارتباط

برقراری ارتباط مؤثر همیشه کار آسانی نیست؛ چرا؟ اگر به مفهوم ارتباط و کارکردهای آن توجه کنیم، می‌بینیم که هر یک از عناصر ارتباط (فرستنده، پیام و گیرنده) می‌توانند دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های متنوع و پیچیده باشند. ارتباط مؤثر مستلزم پیش‌نیازهایی است، اگرچه در جریان ارتباط و در یک رابطه‌ی علت-معلولی، سطح این موارد ارتقا یافته و به پیش‌نیازهای جدیدی منجر می‌شوند.

۱. آشنایی با ویژگی‌های شخصیتی کودکان و نوجوانان (روان‌شناسی رشد)

۲. شناخت کارکردهای فرهنگ و مؤلفه‌های هویت فرهنگی

۳. درک منطقی از فضای زندگی (خانواده، مدرسه، جامعه)

۴. شناخت کارکردهای ابزارهای ارتباط جمعی و رسانه‌ها

۵. درک قابلیت‌های مدرسه به عنوان ابزار تربیت رسمی [اصلانی، ۱۳۸۹].

توجه به این نکته‌ی مهم که در شکل‌گیری یک جریان ارتباطی، عناصر متعددی قبل، ضمن و بعد از ارتباط دخالت دارند، شاید ما را بیشتر به اهمیت موضوع واقف سازد. ممکن است به عنوان پدر و مادر، معلم یا مدیر علاقه‌مند به ایجاد ارتباطی مؤثر با کودکان و نوجوانان باشیم و گام‌هایی نیز برداریم، اما شاید همه‌چیز مطابق دل‌خواه ما پیش نرود. به این ترتیب، لازم است به پیش‌نیازهای این ارتباط بیشتر توجه کنیم و برای این کار:

۱. پیچیدگی‌های فرآیند ارتباط را فراموش نکنیم.

۲. تا جایی که امکان‌پذیر است هر یک از عناصر را در فرآیند ارتباط به کار بگیریم.

به عنوان مثال، شناخت کارکردهای هویت فرهنگی، می‌تواند ما را به درک منطقی‌تری از ارتباط با کودکان و نوجوانان امروزی برساند.

۳. توقع نداشته باشیم که با مهیا کردن یا اصلاح یکی از عناصر، همه‌چیز خوب پیش برود. گاهی پدر و مادر یا آموزگار با روان‌شناسی رشد آشنا هستند، اما مثلاً از کارکردهای ابزارهای ارتباط جمعی و رسانه‌ها غافل می‌شوند.

۴. تبعات گسترده‌تر مطالعه‌ی ارتباط را که می‌توان در پیوند ریشه‌ای میان ارتباط و اجتماع مشاهده کرد. ارتباط چیزی است که اجتماع را منسجم نگاه می‌دارد. در نتیجه ارزش‌های سیاسی و اخلاقی اجتماع را می‌توان در چارچوب ارتباطات ممکن درون آن تحلیل کرد [ادگار و سوج، ۱۳۸۷].

شکل‌گیری ارتباط مؤثر، مستلزم شناخت درست و جامعی از مفاهیم ارتباط، جامعه و فرهنگ است. نگاه تک‌بعدی و یک‌سویه به موضوع ارتباط با کودکان و نوجوانان باعث می‌شود که علاوه بر غفلت از ابعاد تأثیرگذار دیگر، نتوانیم دلیل عدم توفیق‌های احتمالی را تحلیل و درک کنیم.

ارتباط، مهارت است

ارتباط برقرار کردن را می‌توان توانایی‌هایی مانند هوش، یادگیری و استعداد ذاتی تلقی کرد. اما واقعیت این است که اگر حتی بخشی از زمینه‌های مفاهیم یاد شده ذاتی باشد، قسمت عمده‌ی آن‌ها قابل پرورش است. ارتباط برقرار کردن هم مهارتی است که می‌توانید آن را پرورش دهید. کاری را مهارت می‌نامند که پیچیده است و به آموختن نیاز دارد. از این‌رو، ارتباط برقرار کردن را که برخلاف ظاهر کلمه، امر چندان ساده‌ای نیست و پیچیدگی‌های فراوانی دارد، مهارت می‌خوانند که باید آموخته شود. هرگونه ارتباط، حامل پیامی است و هدفش اثرگذاری روی پیام‌گیران است. فرستنده و گیرنده‌ی پیام از افراد بشر هستند که به‌طور سرشتی پیچیدگی‌های متنوعی دارند. خود پیام هم دارای پیچیدگی‌های خاصی است [شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵].

چند نکته‌ی کلی برای برقراری ارتباط

۱. هیچ‌گاه فراموش نکنید که ارتباط موضوعی دوسویه است.
۲. همواره انسان‌های زیادی هستند که به ارتباط نیاز دارند و یک ارتباط مؤثر می‌تواند درهای موفقیت را به روی آن‌ها باز کند.
۳. بخش عمده‌ای از مهارت ارتباط، به توانایی کنترل خود وابسته است.
۴. به تأثیر تفاوت‌های فردی در ارتباط توجه داشته باشید.
۵. ارتباط، مهارتی است که در طول زمان پخته‌تر و کامل‌تر می‌شود.
۶. در هر ارتباط پیام، واکنشی را در گیرنده به وجود می‌آورد که آن را بازخورد می‌نامند. بازخوردها ابزار مناسبی برای ارزش‌یابی قدرت اثربخشی پیام و فرستنده‌ی پیام هستند و می‌توانند به شما در تغییر نوع پیام کمک کنند.
۷. هر چیز که در جریان ارتباط مؤثر مداخله کند و آن را به‌هم بزند، پارازیت نامیده می‌شود. منبع پارازیت می‌تواند از فرستنده، گیرنده‌ی پیام، محیط طبیعی یا محیط اجتماعی باشد [شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵].

پی‌نوشت

1. feedback

منابع

۱. ادگار، اندرو و مسج ویک، پیتز. (۱۳۸۷). مفاهیم بنیادی نظریه‌ی فرهنگ. ترجمه‌ی مه‌رمان مهاجر و محمد نبوی. نشر آگه، تهران. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی: ۲۰۰۳ م.)
۲. اصلانی، ابراهیم. (۱۳۸۹). نوجوانی ۱. انتشارات مدرسه، تهران.
۳. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). نگاه نو به روان‌شناسی انسان سالم. انتشارات اطلاعات، تهران.
۴. محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۸۰). ارتباط‌شناسی. سروش، تهران.

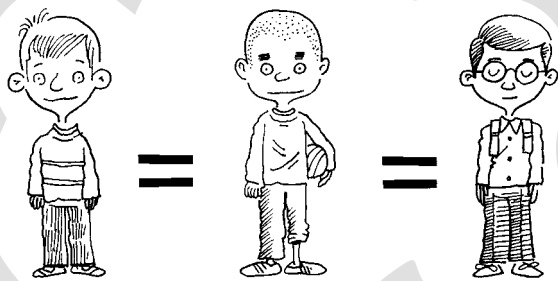
یاد من باشد که...

ابراهیم اصلانی

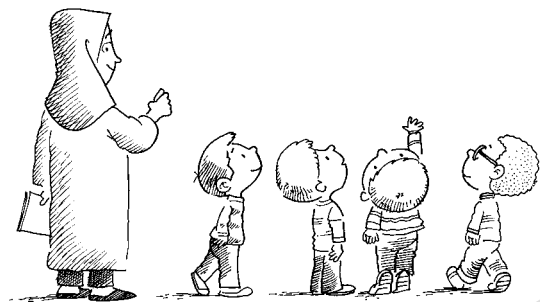
تصویرگر: سام سلماسی راهنمای برقراری ارتباط با کودکان

نکته‌ها و توصیه‌های زیادی می‌توان برای برقراری ارتباط مؤثر با کودکان بیان کرد. علاوه بر مواردی که در مقاله‌ها و مطالب آمده است به منظور تسهیل در ارائه‌ی موضوع، تصمیم گرفتیم نکات عمده را در قالب دیگری بیان کنیم. در این صفحه، ۱۰ نکته‌ی مهم برای برقراری ارتباط مؤثر با کودکان را می‌خوانید.

ارتباط، موضوعی است که به نگرش‌های ما وابسته است. شاید کسی در اهمیت ارتباط شکی نداشته باشد، اما نوع مواجهه با آن در بین افراد متفاوت است. سه انسان سخت‌گیر، متعادل و آسان‌گیر را تصور کنید. فقط رفتار این افراد متفاوت نیست، به احتمال زیاد نگرش آن‌ها به موضوعاتی چون: انسان، زندگی، تربیت، انضباط، ارتباط و... هم متفاوت خواهد بود. به این ترتیب، نگرش هر معلم به آموزش و پرورش، دانش‌آموز، پیشرفت و هوش و استعداد، نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای ارتباطی او خواهد داشت. نکته‌هایی که در این قسمت آمده است، می‌تواند به شما در شناخت و ارزش‌یابی نگرش‌هایتان کمک کند.



۲. همه‌ی دانش‌آموزان، در انسان بودن مشترکند (همه‌ی دانش‌آموزان به یک اندازه انسانند).



۱. ذات تربیت نه در آموزش، بلکه در محبت است.



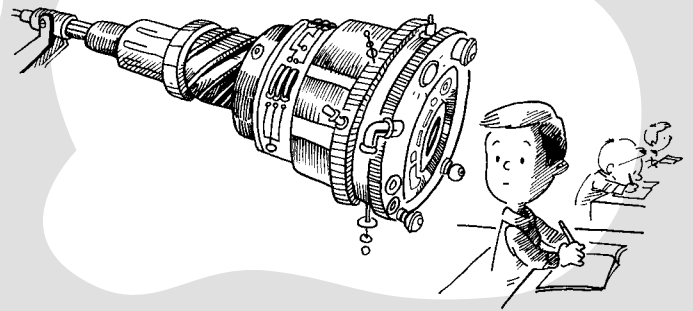
۴. ارتباط مؤثر نه تنها باعث شادابی و نشاط دانش‌آموزان و کلاس می‌شود، بلکه در روحیه‌ی خودم هم تأثیر بسیار مثبتی خواهد داشت.



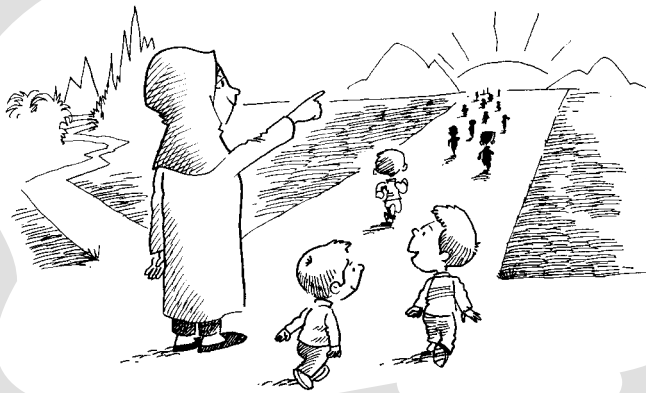
۳. به دانش‌آموزانم در حرف و عمل نشان بدهم که دوست‌شان دارم.



۶. ممکن است در کلاس دانش آموزانی باشند که نادیده گرفته شوند یا کمتر مورد توجه قرار گیرند.



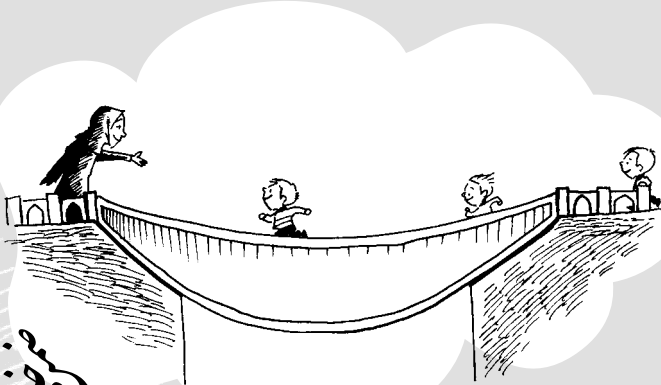
۵. نسبت به شخصیت و وضعیت تک تک دانش آموزانم حساس باشم.



۸. من فقط آموزنده‌ی مطالب درسی نیستم. من می‌توانم راهنمای زندگی دانش آموزانم باشم.



۷. گاهی یک ارتباط مؤثر می‌تواند معجزه کند و موجب اوج گرفتن کودکان شود.



۱۰. لبخند معلم، پلی است بین او و دانش آموز.



۹. ارتباط مؤثر، یک امکان انگیزشی بسیار کارآمد است.

پی نوشت
۱. جمله‌ای از پستالوژی (۱۷۴۶ - ۱۸۲۷ م) مری معروف سوئیس
۲. جمله‌ای از استاد دکتر علی اکبر شعاری نژاد

برقراری ارتباط مؤثر و سازنده با کودک

دکتر ابراهیم فتح‌اللهی
عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور و قرآن پژوه

سرآغاز

دنیای کنونی دنیای فاصله‌هاست. میلیون‌ها نفر در کنار یکدیگر، تنها زندگی می‌کنند. خاصیت نظام‌های اجتماعی جدید که مبتنی بر صنعت و ماشین است، این است که بالاچار آدم‌ها را از هم جدا می‌کند و فرصت برقراری ارتباط را از آن‌ها می‌گیرد. سرعت برای رسیدن و عجله و شتاب برای دیر نکردن، جزء عادت‌های امروزی بشر شده است. گویا باید در جنون سرعت به‌طور دائم مسابقه بدهیم و هیچ‌وقت هم به آن چه که باید برسیم، نرسیم. این جنون سرعت سبب ایجاد هرچه بیشتر فاصله‌ها می‌شود و ارتباط آدم‌ها با یکدیگر در جریان زندگی روزمره به حداقل می‌رسد. در حالی که نیاز به برقراری ارتباط با دیگران جزو نیازهای فطری هر انسان است و همین نیاز به هم‌نوع و زیستن در کنار هم‌نوعان، سبب پیدایش اجتماعات بشری و احساس نیاز به قانون و در نهایت شکل‌گیری تمدن‌ها می‌شود.

می‌توان گفت: «قانون و تمدن، فرع بر اجتماع است و اجتماع از طریق برقراری ارتباط بین آدمیان حاصل می‌شود. فطرت انسان نیز اجتماعی آفریده شده است.» بنابراین تلاش در جهت برقراری ارتباط و استحکام بخشیدن به روابط بین آحاد بشر عملی در جهت نیازهای فطری بشر است. و برعکس هر عاملی که به نوعی سبب گسست ارتباطات بین آحاد جامعه می‌شود عاملی ضد تمدن است.



تأمین می‌کنند و با تولد فرزندان، روح فداکاری و از خود گذشتگی و زندگی به‌خاطر دیگری را تجربه می‌کنند. پدر و مادر در سال‌های اولیه زندگی فرزند، نقش حامی و پشتیبان را برای او ایفا می‌کنند. با بزرگ شدن فرزند، نقش پدر و مادر بیشتر جنبه‌ی تربیتی پیدا می‌کند و آینده‌ی اخلاقی، فرهنگی، تحصیلی و شغلی فرزند برای پدر و مادر یک مقوله‌ی مهم تلقی می‌شود، بنابراین سعی می‌کنند عمده‌ی تلاش خود را بر تربیت صحیح او معطوف کنند. چند سال بعد و در سنین بلوغ، پدر و مادر علاوه بر نقش حمایتی سعی می‌کنند نقش هدایتی و مشاوره‌ای برای فرزندشان داشته باشند. هرچند که در این مرحله، از مؤسسات اجتماعی نظیر مدرسه، دانشگاه، مکان‌های فرهنگی و فضای عمومی فرهنگی نیز بهره و استمداد می‌جویند. بعد از عبور از این مرحله، فرزند به سمت مستقل شدن از هسته‌ی اولیه خانواده پیش می‌رود و به

جایگاه خانواده در شکل‌گیری نظام ارتباطات

سؤال اساسی که در این‌جا پیش می‌آید، این است که خاستگاه اولین ارتباطات کجاست؟ و اولین نهادی که منشاء روح جامعه‌گرایی انسان بوده و سبب استحکام پیوندها و ارتباطات اجتماعی او شده، کدام است؟

در پاسخ باید گفت: نهاد خانواده، اولین و اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است که برای پاسخ دادن به نیاز اصیل و فطری انسان یعنی نیاز به حضور در جامعه شکل می‌گیرد.

پدر و مادر هسته‌ی اولیه خانواده را تشکیل می‌دهند و تولد فرزندان استحکام آن‌را زیاد کرده، شور خاصی به زندگی می‌بخشد. پدر و مادر نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن را با امر مقدس ازدواج



عنوان یک شخصیت مستقل به دنبال تشکیل کانونی جدید برای زندگی آینده‌ی خود است. به همین دلیل با گرایش به سوی جنس مکمل، به ازدواج روی می‌آورد و بدین ترتیب نظام زندگی اجتماعی انسان به پیش می‌رود.

ویژگی اساسی زندگی انسان

نکنه‌ی حایز اهمیت در زندگی انسان که او را از حیوانات جدا می‌کند، در این است که حتی با تشکیل زندگی جدید، ارتباط زوج جدید با خانواده‌های قبلی قطع نمی‌شود و دامنه‌ی ارتباطات بین سه نسل، گسترش می‌یابد.

زیبایی زندگی انسان دقیقاً در همین نکته نهفته است که در هر یک از مراحل زندگی، عامل اصلی دل‌گرمی و دل‌بستگی انسان به اصل زندگی همین ارتباطات است. البته جنس ارتباط در هر یک از مراحل رشد و نمو انسان با اطرافیان و جامعه متفاوت است، اگرچه ارتباطات اولیه‌ی والدین با فرزندان در دوران طفولیت، در شکل‌گیری شخصیت فرزندان تأثیر بی‌بدیل دارد.

مدیریت برقراری ارتباط با فرزندان و نحوه‌ی استمرار آن، هنری است که به توانایی پدر و مادر بستگی دارد.

اگر این ارتباط به نیکویی مهندسی و طراحی شود، از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی که دامن‌گیر جوامع امروزی است، جلوگیری خواهد شد.

مهارت برقراری ارتباط سالم بین زن و شوهر، برای ایجاد کانونی گرم در تربیت فرزندان، گام اول است. در مرحله‌ی دوم برای شناخت مراحل رشد فرزندان باید پدر و مادر، قبل از هرگونه تصمیمی در جهت فرزنددار شدن با آموزش‌های لازم آشنا شوند. گام بعدی هماهنگی در تربیت و هم‌پوشانی نقش یکدیگر در شد عواطف فرزند است که مهم‌ترین عوامل موفقیت در برقراری ارتباط سالم و منطقی بین والدین و فرزندان به‌شمار می‌آید.

روش‌های مؤثر در برقراری ارتباط با کودک براساس تعالیم دینی

در تعالیم دینی که مبتنی بر تئوری فطرت است، دستورها و روش‌های خاصی در نحوه‌ی برقراری ارتباط مؤثر و سازنده بین والدین و فرزندان توصیه شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اظهار دوستی و محبت به فرزندان

پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «احبوا الصبیان و ارحمهم». فرزندان خود را دوست بدارید و با آن‌ها مهربان باشید. یکی از زمینه‌های برقراری ارتباط مؤثر و سازنده بین نسل پیشین و نسل جدید، بخصوص بین پدر و مادر با فرزندان این است که مقوله‌ی محبت و دوست داشتن از مرحله‌ی قبلی فراتر رفته و به مرحله‌ی بیان و اظهار برسد.

این‌که پدر و مادر مهر قلبی و درونی خود را اظهار کنند، ایمنی روحی و امنیت روانی به فرزند می‌بخشد و این احساس امنیت در کمال شخصیتی فرزند، تأثیر می‌گذارد. پدر و مادر می‌توانند با بیان جملاتی نظیر «فرزندم، من شما را خیلی دوست دارم.» یا «تو برای من خیلی مهم هستی.» یا «من همیشه از خداوند فرزندی چون تو می‌خواستم.» یا «من همیشه خدا را سپاس‌گزارم که فرزندی مثل تو به من عطا کرد.» در روح و روان او نفوذ کرده و اطمینان کافی برای زندگی را در دل او ایجاد می‌کند. این‌ها سنگ بنای اولیه‌ی ارتباطات بین والدین و فرزندان محسوب می‌شوند.

۲. فرصت ابراز وجود فرزندان

فرزندان برای تمرین عملی حضور در زندگی اجتماعی نخستین تجربه‌ها را نزد پدر و مادر می‌آموزند. ایجاد فضای لازم درون خانه برای مطرح شدن و دیده شدن و به حساب آوردن فرزندان، آن‌ها را آماده‌تر و پخته‌تر می‌کند. وقت گذاشتن و حوصله به خرج دادن و مشتاقانه به حرف فرزندان گوش کردن، آن‌ها را عادت می‌دهد که همواره به عنوان پشتوانه‌ای قوی به پدر و مادر خود تکیه کنند و به دلیل ارتباط عاطفی که بین آن‌ها و والدین ایجاد می‌شود، زمینه‌های ارتباطی سال‌های آینده به‌وجود می‌آید. یکی از مشکلات بازاری که گاهی در روابط پدر

و مادر از یک سو و فرزندان از سوی دیگر پیش می آید، قطع ارتباط در سنین جوانی فرزندان و پیری والدین است. دلیل است مسئله در این است که دو نسل فاقد زبان مشترک برای گفت و گو هستند و از ادبیات متفاوتی در بیان دیدگاه‌های و نظرات خود استفاده می کنند. این مشکل را باید در سال‌های اولیه و دوران طفولیت فرزندان جست و جو حل کرد. بنابراین عادت دادن فرزندان به گفت و گو با سایر اعضای خانواده و تمرین صبوری در گوش دادن به حرف دیگران و رعایت کردن سنین اعضای خانواده و هم چنین حفظ حدود و حرکت و احترام دیگران جزو برنامه‌های مؤثر در این زمینه به شمار می آیند.

۳. آموزش مشورت به فرزندان

فرزندان ما باید یاد بگیرند که مشورت کردن با دیگران نوعی شریک شدن در عقل دیگران است و فرد می تواند از نتیجه‌ی تفکرات و تجربیات سایر افراد خانواده و یا جامعه بهره مند شود. لذا تمرین عملی مشورت خواهی یا مشورت دهی در امور باید از دوران طفولیت به فرزندان آموزش داده شود. مشارکت دادن فرزندان در مباحث مربوط به خانواده و تعریف نقش برای هر یک از اعضای خانه و عمل جمعی در مورد تصمیم‌های مشترک، زمینه‌های ارتباط مؤثر و سازنده را تقویت می کنند.

۴. بازی با کودکان

اهمیت دادن به رشد استعدادهای کودکان موجب می شود که به عوامل مؤثر در شکوفایی این استعدادها بیندیشیم. فرزندان در سنین اولیه، مجموعه‌ای از توانایی‌های نهفته را دارند که هر یک از طریق خاصی تحریک شده و به مرحله ظهور می رسند. همراهی با دنیای کودکانه آن‌ها و ورود واقعی در فضای شادی‌های کودکانه، بهترین زمینه‌ی اتصالی و ارتباطی را بین والدین و کودکان به وجود می آورد. در سیره‌ی عملی پیامبر اکرم (ص) آمده است که با نوه‌های خود - امام حسن و امام حسین علیهما السلام - اوقاتی را به بازی سپری می کرد و حتی روزی کودکان همسایه از او تقاضا کردند که مثل نوه‌های خود با آن‌ها نیز بازی کند و پیامبر (ص) با کمال خوش رویی تقاضای آن‌ها را پذیرفت.

ورود واقعی در فضای زندگی کودک ایجاد می کند که پدر و مادر هم، زبان کودکی بگشایند و هم مثل کودک خود تصمیم بگیرند از شادی‌های زندگی او مثل او لذت ببرند.

۵. زبان قصه

یکی از روش‌های تربیتی مؤثر که قرآن بارها از آن بهره برده است، روش قصه‌گویی است. در سوره‌ی یوسف آمده است: «تَحْنُ نَقْصٌ عَلَیْكَ احْسِنُ الْقِصْصَ»، ما بهترین قصه‌ها را به تو می گوئیم. زبان قصه در برقراری ارتباط، یکی از مؤثرترین زبان‌هاست. پدر

و مادر برای ورود در دنیای کودکان و برای هم‌زبانی بیشتر با آن‌ها، باید توانایی قصه‌پردازی و قصه‌سرایی را داشته باشند. پدر و مادری که مهارت قصه‌گویی دارند، می توانند بیشترین تأثیر تربیتی را از طریق پردازش‌های صحیح ایجاد کنند. زبان قصه درهای بسته در قلب فرزندان را می گشاید و حضور مؤثر پدر و مادر را در زندگی کودک و شخصیت آینده‌ی او تضمین می کند. نسل‌های پیشین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های ما در عصر کمبود اطلاعات و اخبار، برای انتقال فرهنگ دیرپای این سرزمین به نسل جدید، از زبان قصه بهره می بردند و توانایی خاصی نیز در بیان قصه داشتند. و خواب آرام به امید فرداهای بهتر را به چشمان نو نهالان و غنچه‌های باغ زندگی هدیه می کردند. اما امروزه و در عصر انفجار اطلاعات، فرزندان را به امان تربیت‌های دیجیتال‌ها رها کردن و از خود سلب مسؤلیت کردن در نهایت به جدایی نسل‌های ما انجامد.

۶. هم‌نوایی با طبیعت

یکی از بهترین زمینه‌های تربیتی که در رشد عاطفی فرزندان مؤثر است آشنا کردن آن‌ها با طبیعت است. اگر انسان بتواند ارتباطی منطقی با طبیعت برقرار کند، قطعاً صدای ترنم پرندگان و پیام وزش باد در شاخسار درختان را با گوش جان خواهد شنید. به عبارت دیگر ارتباطی معنادار با دفتر معرفت کردگار پیدا خواهد کرد. سعدی در «گلستان» می گوید:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
 هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

چگونه می توان با رازهای طبیعت هم‌راز و هم‌نوا شد؟

آیا طبیعت را فقط باید در صفحه‌ی تلویزیون به نظاره نشست؟ فرزندان ما در ارتباط مستقیم با طبیعت خواهند توانست روح و روان خود را جلا داده و با حضرت حق تعالی مأنوس تر شوند. پدر و مادری که سعادت و عزت فرزند خود را جست و جو می کند، بهترین فرصت تربیتی را در حضوری آزاد و در بی‌کران طبیعت الهی، می توانند تجربه کنند. همراهی و هم‌قدمی با فرزند در بی‌کرانه‌ی طبیعت، در صعود به قلّه‌ی یک کوه، در سپردن خود به امواج دریا، در پاشاندن بذرهای زندگی در دل طبیعت، در رساندن زلال آب به پای یک گل، عمیق‌ترین اثرات روحی را در اتصال عمیق یک فرزند به پدر و مادر خود به وجود می آورد و او می تواند بفهمد که طبیعت، مادر اصلی انسان است. و چون صحنه‌ی معرفت پروردگار است، باید آن را دوست داشت و سرزندگی اش را پاس داشت.